

# مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکرد تقابل‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا

سید علی بنی هاشمی<sup>۱</sup>

ماشاله حیدر پور<sup>۲\*</sup>

داود کیانی<sup>۳</sup>

## چکیده

۲۴۹

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی در ایران، دوستی و تعامل میان ایران و ایالات متحده آمریکا، جای خود را به تقابل و خصومت داده است. علی‌رغم دیدگاه‌های مختلفی که در این باره مطرح شده است، تاکنون کمتر پژوهشی با بررسی مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار در این زمینه به تبیین این رویکرد تقابل‌آمیز میان دو کشور پرداخته است. در این مقاله پرسش اصلی عبارت است از: تداوم تقابل روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا بر مبنای چه رویکرد و مؤلفه‌هایی قابل تحلیل و واکاوی می‌باشد؟ فرضیه اصلی؛ استمرار و علل تداوم تقابل روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا در قالب رویکرد نواقع‌گرایی بر مبنای مؤلفه‌های داخلی همچون استکبارستیزی و مبارزه با هژمونی آمریکا و مؤلفه‌های خارجی نظیر؛ ایران‌هراسی، لابی‌های یهودی و گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران، تبلیغات خصمانه، تهییج اعراب و عراق علیه ایران، اقدامات نظامی آمریکا علیه ایران، و تحریم‌های گسترده آمریکا قابل تبیین و واکاوی می‌باشد. هدف اصلی؛ بررسی و واکاوی مؤلفه‌های تأثیرگذار داخلی و خارجی بر تداوم رویکرد تقابل‌آمیز روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده آمریکا می‌باشد. در این پژوهش از روش کتابخانه‌ای برای گردآوری منابع و از روش توصیفی تحلیلی برای تجزیه و تحلیل مطالب استفاده شده است

**واژگان کلیدی:** آمریکا، ایران، استکبارستیزی، حمایت از مظلومین جهان، لابی‌گری یهود

۱. دانشجوی دکتری، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

۲. استادیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران (نویسنده مسئول)

\* Mashallah.heidarpour@gmail.com

۳. دانشیار، گروه روابط بین‌الملل، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۹/۲۹

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۱۲

فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، دوره دوازدهم، شماره پیاپی چهل و شش، صص ۲۴۹-۲۷۶

## مقدمه

روابط ایران و آمریکا پس از پیروزی نظام جمهوری اسلامی ایران در بهمن ۱۳۵۷ (۱۹۷۹) ابتدا در حالت سکوت، کم‌رنگ شدن و سردی روابط پیش رفت؛ ولی با گذشت کمتر از یک سال از پیروزی انقلاب اسلامی و با توجه به حمله دانشجویان به سفارت آمریکا در تهران و تسخیر سفارت روابط میان ایران و آمریکا به تیرگی و قطع کامل دیپلماتیک شد. پس از زمان حادثه حمله به سفارت آمریکا در تهران روابط ایران و آمریکا، تاکنون دچار سردی، تعارضات گوناگون، درگیری‌ها و اختلاف نظر در مسائل مختلف خاورمیانه و جهان، میان دو کشور شده است. گاهی به سمت بهتر شدن روابط پیش رفته و گاهی در مسائل مختلف به تعارض بیشتر و حتی تشدید اختلافات انجامیده است. در طول چهار دهه که از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گذرد، تنش و تعارض در روابط ایران و آمریکا به طور مداوم مشهود بوده است که گاهی زمینه بروز جنگ و نزاع‌های بین‌المللی و منطقه‌ای را فراهم نمود. بررسی علل استمرار و واکاوی تقابل روابط نیاز به یک نگرش جامع و کامل دارد. تعارضات و تقابل روابط ایران و آمریکا را می‌توان در مواردی متعدد بررسی نمود؛ نگرش علل تعارضات بر اساس رویکرد سیاست خارجی ایران و سیاست خارجی آمریکا است، بسیار ساده‌انگارانه خواهد بود، در حقیقت ساختار بسیار پیچیده و چند وجهی و دارای مؤلفه‌های متعدد زمینه سازی تداوم تعارضات میان دو کشور بوده است. همانگونه که اشاره شد اختلافات از قضیه حمله به سفارت شروع شد و با جنگ ایران و عراق و حمایت آمریکا از عراق و محدود کردن ایران از سوی آمریکا ادامه یافت. در این میان به مواردی همچون مبارزه با تروریسم، حمایت ایران از گروه‌های مقاومت در منطقه خاورمیانه، متهم کردن ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای و ده‌ها مورد دیگر که از سوی آمریکا عنوان شده است، می‌توان اشاره نمود. نگارنده با اعتقاد به اینکه، اصلی‌ترین مؤلفه در تقابل روابط ایران و آمریکا به دو بخش عوامل داخلی و عوامل خارجی قابل تقسیم‌بندی است و این عوامل سبب نهادینه شدن تعارضات و اختلافات میان ایران و آمریکا شده است که این تعارضات روابط میان ایران و آمریکا را در مواردی همچون عقیدتی، نظامی و ژئوپلیتیک قابل بررسی و تبیین است. یکی از مصادیق تعارض و تقابل روابط ایران و آمریکا

استکبارستیزی ایران در مقابل امریکا می‌توان عنوان نمود. ایدئولوژی انقلاب اسلامی بر اساس حمایت از مظلومین و تقابل با مستکبرین بنا شده است، بنابراین یکی از دلایل تقابل ایران در مقابل امریکا استکبارستیزی ایران می‌باشد.

با اینکه امریکا خود را هژمون مطلق عرصه جهانی می‌داند ایران به دو روش مستقیم یعنی تقابل مستقیم با امریکا در عرصه جهانی و شکست جایگاه هژمونی امریکا و غیرمستقیم یعنی همراهی نمایش افزایش نفوذ سایر قدرت‌های بزرگ مانند روسیه و چین در عرصه جهانی و مقابله با یک‌جانبه‌گرایی امریکا در مناسبات بین‌المللی قابل بررسی است. همان‌گونه که در بالا اشاره شد، تیرگی روابط میان ایران و امریکا بی‌تأثیر از دخالت‌های خارجی نبوده است، از جمله می‌توان به لابی‌های یهودی اشاره نمود. لابی‌های یهودی مورد بحث ساکن در اسرائیل، امریکا و سطح بین‌المللی است. جمهوری اسلامی ایران از لحاظ اعتقادی و عقیدتی به دنبال نابودی کامل رژیم اسرائیل است و به همین سبب لابی‌های یهودی‌ترمیم روابط ایران و امریکا را سبب آسیب‌پذیری خود و کاهش حمایت امریکا در مناسبات بین‌المللی قلمداد می‌کند.

پس از پیروزی باراک اوباما در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا عنوان جدیدی در امریکا به نام قدرت هوشمند رونمایی شد که بر اساس آن تمامی مؤلفه‌های قدرت سخت و نرم برای تقابل با ایران به کار بسته شد. بر همین مبنا یکی از اصلی‌ترین موضوعات ایران‌هراسی می‌باشد. ایران‌هراسی یعنی اعلام خطر از وضعیت موجود ایران در منطقه و اعلام وضعیت فوق‌العاده بر علیه ایران در عرصه بین‌المللی است که سبب تیرگی روابط ایران و امریکا شده است. گروه‌های گوناگون خارجی نیز همواره در تشدید تعارضات روابط ایران و امریکا مؤثر بوده‌اند. گروه‌های مخالف جمهوری اسلامی ایران همواره در پی تحریک دولت امریکا برای تقابل گام برداشته‌اند. این گروه‌ها بقای خود را در اعلام مخالفت صریح با نظام جمهوری اسلامی ایران می‌دانند که از جمله گروه‌های ایرانی می‌توان به سازمان مجاهدین خلق ایران و گروه سلطنت‌طلبان اشاره نمود. البته فقط گروه‌های ایرانی در روابط ایران و امریکا مؤثر نبوده‌اند؛ می‌توان به گروه‌های خارجی نظیر نومحافظه‌کاری (نتوکان‌ها) اشاره نمود.

نگارندگان در این پژوهش در چارچوب نواقح گرای، در پی آن است که دریابد مؤلفه‌های تأثیرگذار در رویکرد تقابل‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا کدامند؟ برای تبیین موضوع و مسئله مطرح شده از رویکرد نواقح گرای استفاده می‌شود، زیرا نواقح گرای با تأکید بر مسئله سیستم، بهترین روش فرایند ساخت قدرت نیز می‌باشد، فرایند قدرت در ارتباط با مفاهیمی از قبیل؛ امنیت، قدرت نسبی، ساختار و بقا و... تعریف می‌شود؛ همچنین این نظریه بر فرایند شکل‌گیری معمای امنیت تمرکز دارد و آنچه در روابط تقابل‌آمیز میان ایران و ایالات متحده امریکا مقوله امنیت، قدرت و بقا می‌باشد. با توجه به مؤلفه‌های نواقح گرای که جهان را به‌مثابه سیستم می‌نگرد، امریکا در رأس سیستم با بیشترین قدرت در عرصه بین‌الملل قرار دارد. ایران نیز با برخورداری از توان نظامی و نفوذ منطقه‌ای، تبدیل به قدرت منطقه‌ای شده و تلاش دارد بیش از پیش در سیستم آنارشی موجود به هژمونی قدرت خویش بپردازد.

#### ۱. ادبیات پژوهش

رابطه میان ایران و ایالات متحده امریکا گاهی مورد توجه خاص محققین و پژوهشگران قرار داشته است، ولی در عنوان تحقیق انتخاب شده تا آنجا که نگارنده مطالعه و تحقیق داشته کارهای محدودی در این زمینه صورت پذیرفته است، که در ذیل به برخی از آنها اشاره می‌شود. عبدالله قنبرلو در کتاب اقتصاد سیاسی مداخله گرای در سیاست خارجی امریکا این گونه بیان می‌کند؛ استراتژی امنیتی ایالات متحده و به طور اخص جهت‌گیری‌های مداخله‌گرایانه آن از مسائل مهمی است که امروزه تئوری‌پردازان و محققان عرصه سیاست بین‌الملل توجه وافری به آن دارند. اهمیت ویژه این مسئله برای کشور ما این است که با شناخت دقیق‌تر و معتبرتر از مسائل مربوط به سیاست خارجی امریکا، زمینه مناسب‌تری برای تعامل مدبرانه و منطبق بر منافع ملی با این کشور فراهم می‌گردد (قنبرلو، ۱۳۹۰: ۱۳-۱۵).

داود غرایق زندی در مقاله سیاست خارجی دولت دوم جورج واکر بوش در قبال ایران بر این باور است؛ دوره دوم سیاست خارجی بوش (۲۰۰۸-۲۰۰۴)، به نسبت دوره اول، در قبال جمهوری اسلامی ایران، تغییر از یک‌جانبه‌گرایی و حمله پیش‌دستانه به شیوه

ستی سیاست خارجی این کشور در قبال ایران و سیاست زمان جنگ سرد در قبال اتحاد جماهیر شوروی را نشان می‌دهد. این سیاست که به سد نفوذ معروف است، به واسطه ناکامی‌های کابینه بوش در مدیریت پس از جنگ یا مدیریت دوره صلح، پس از جنگ در افغانستان و عراق اتخاذ شده است. این مقاله، ضمن بررسی این سیاست، امکان توضیح‌دهندگی آن را در قبال تحولات مختلف سیاست خارجی آمریکا در قبال ایران، در دوره مورد نظر را نشان می‌دهد و بر این اساس، سعی دارد الگوی کلی سیاست آمریکا را در قالب چهار سیاست به‌کارگیری، دموکراسی‌سازی، تحریم و انزوای ایران و اقدام نظامی، طرح و مورد بررسی قرار دهد (غرایاق زندی، ۱۳۸۸: ۴۴).

سید مهدی حسینی متین در کتاب رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد این طور می‌نویسد؛ اگر بخواهیم نقش تعارض منافع دو کشور در تشدید رویارویی‌ها را تفسیر نماییم به نظر می‌آید دیدگاه ریچارد کاتم در خصوص افزایش اختلافات به شکل ماریچی در مورد بسیاری از اختلافات دو کشور درست کرده است، زیرا به رغم واقعیات عینی و غیرقابل انکار اقدامات و تحرکات خصمانه ایالات متحده آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران، سوء تفاهم‌ها نسبت به رفتارهای یکدیگر در نبود روابط و تماس‌های رسمی نقش مهمی در ایجاد و تداوم این وضعیت ایفا کرده است. می‌توان چنین انتظار داشت که تا زمانی که شرایط و جایگاه آمریکا در ساختار نظام بین‌الملل اقتضا نماید و منافع این کشور در تقابل با منافع جمهوری اسلامی ایران تعریف گردد رفتار و سیاست خارجی آمریکا نسبت به ایران بعید است تغییر چندانی کند (حسینی متین، ۱۳۹۱: ۵-۶).

علی عبدالله خانی و عباس کاردان در کتاب رویکردها و طرح‌های آمریکا درباره ایران بر این اعتقاد هستند؛ با بررسی جریان‌ها، گفتمان‌ها، و جهت‌گیری‌های سیاست خارجی آمریکا، ارتباط میان این مقولات با نقش و تأثیر کانون‌های تصمیم‌ساز این کشور در سیاست خارجی آن آشکار گردد و از این طریق، نیروها و عوامل مؤثر در روابط ایالات متحده و ایران واکاوی و ارزیابی شوند و نیز این چهار گزینه بر ساخته تشریح گردند: سازش، جنگ، تغییر از درون، و بازدارندگی که قابلیت تبیین جهت‌گیری همه طرح‌ها و پروژه‌های آمریکایی درباره ایران را دارد (کاردان و عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۱).

مهدی ذوالفقاری در کتاب تحلیل عملیات روانی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران این طور بیان می‌کند؛ عملیات روانی بخشی حیاتی از فعالیت‌های گسترده سیاسی، اطلاعاتی، نظامی و اقتصادی ایالات متحده به شمار می‌آید. از منظر ایالات متحده عملیات روانی به صورت اطلاعات اثرگذار منتقل می‌شود و در زمان جنگ و صلح به منظور آگاه‌سازی و اثرگذاری مورد استفاده قرار می‌گیرد. ایالات متحده با استفاده از تصویرسازی در فضای مجازی و با بهره‌برداری از رسانه‌های تصویری درصدد ارائه تصویری خطرناک غیرمنطبق با واقع و ناامن‌کننده محیط بین‌الملل از جمهوری اسلامی ایران است (ذوالفقاری، ۱۳۹۱). همان طور که در بالا اشاره شد، بر اساس نمونه‌هایی از پژوهش‌هایی که صورت گرفته بود، می‌توان به این نتیجه رسید که در موضوع «واکاوی مؤلفه‌های تأثیرگذار داخلی و خارجی بر تداوم رویکرد تقابل روابط جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا» پژوهشی به شکل خاص صورت پذیرفته است. ولی با استفاده از رابطه میان نتایج این پژوهش‌ها و موضوع پژوهش می‌توان به یک سری از مؤلفه‌های داخلی و خارجی تأثیرگذار و مرتبط با یکدیگر بر تشدید تعارضات میان ایران و امریکا توجه نمود.

## ۲. چارچوب نظری؛ نواقح گرای

در این پژوهش تلاش شده است تا در چارچوب واقع‌گرایی ساختاری و بر اساس مؤلفه‌ها و متغیرهای متکثر داخلی و خارجی، استمرار روابط تقابلی میان ایران و امریکا مورد تحلیل و ارزیابی قرار گیرد. نواقح‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری یکی از نظریه‌های روابط بین‌الملل است که اولین بار توسط کنت والتز در کتاب نظریه سیاست بین‌الملل در سال ۱۹۷۹ طرح شد (مشیرزاده، ۱۳۸۶: ۱۳).

والتز در تبیین ساختار نظام بین‌الملل آن را مجموعه‌ای از سه رکن دولت‌ها، آنارشی، و توزیع توانایی‌ها می‌داند و به دلیل ثابت بودن دو رکن اول نتیجه می‌گیرد که تغییرات ساختار محصول تغییر در توزیع توانایی‌ها بوده و همین مساله بر رفتار بازیگران در نظام بین‌الملل تأثیر می‌گذارد (Waltz, 1990: 21-37). والتز استدلال می‌کند که سیستم آنارشی و توزیع قابلیت‌ها، محدودیت‌ها و انگیزه‌های قدرتمندی هستند که یکسانی را در رفتار دولت‌ها ایجاد می‌کنند. از نظر والتز، روابط بین‌الملل آنارشیک است و سلسله

مراتبی نیست، و واحدها عملکردی مشابهی دارند و ساختار نظام بین‌الملل یا قطبیت بر اساس توزیع قابلیت‌ها متفاوت است. ماهیت هرج و مرج نظام بین‌الملل و این فرضیه که دولت‌ها حداقل به دنبال حفظ خود هستند و اجتماعی شده‌اند تا از یکدیگر تقلید کنند، به والتز این امکان را می‌دهد که الگوها و نتایج بین‌المللی تکرارشونده مانند موازنه‌های قدرت، جنگ‌پذیری افراد مختلف را توضیح دهد (Waltz, 1979: 118).

کنت والتز بر این باور است که بدون توجه به کارکرد متقابل اجزای سیستم بین‌الملل، از جمله بازیگران، روندهای سیاست خارجی و نیز شکل و شیوه هنجارهای مسلط در روابط، نمی‌توان سیاست خارجی کشورها را تحلیل کرد.

در ساختار نظام بین‌الملل، واحدهای سیاسی بر پایه قانون‌مندی و شاخص‌هایی که دارند در کنار یکدیگر قرار گرفته و اهداف خود را پیگیری می‌کنند. دگرگونی در هدف‌ها، رفتار و الگوهای هر بازیگر، بر برابری تعامل و کنش متقابل بازیگران آثاری بر جای می‌گذارد که می‌توان آنها را در روند سیاست خارجی کشورها، مشاهده کرد (Waltz, 1979: 381). نوواقع‌گرایی از عناصر واقع‌گرایی کلاسیک و نوکلاسیک به عنوان نقطه شروع استفاده می‌کند. این نظریه به طور محوری روی ساختار نظام بین‌الملل، واحدهای متعامل آن و تغییر و تداوم‌های نظام متمرکز می‌شود.

در واقع‌گرایی کلاسیک، رهبران کشور و ارزیابی ذهنی آنها از روابط بین‌الملل محور توجه قرار دارد. این در حالی است که در نوواقع‌گرایی، ساختار نظام و به طور خاص توزیع نسبی قدرت، کانون محوری تحلیل هستند. در این رهیافت بازیگران از اهمیت کمتری برخوردار هستند، زیرا ساختارها آنها را وادار می‌کنند تا بر طبق اصول خاص متناسب ساختار رفتار کنند. ساختارها به طور کم و بیش افعال یا اقدامات و رفتارها را شکل می‌دهند. ساختار یک سیستم با تغییر توزیع توانایی‌ها میان واحدهای نظام بین‌الملل تغییر می‌کند. در حقیقت کنت والتز به عنوان واضع این نظریه مدت‌های زیادی منتقد این ایده بود که می‌توان با رام کردن ماهیت بشر یا ایجاد نظام‌های سیاسی مشروع داخلی جنگ را ریشه کن کرد وی اذعان می‌کند که اقتصاد، سیاست و فرهنگ در هم تنیده شده‌اند. اما در عین حال اضافه می‌کند که یک نظریه روابط بین‌الملل را می‌توان با انتزاع سیستم یا نظام بین‌الملل از دیگر قلمروها بسط داد. به نظر وی واقع‌گرایان با

ناکامی در مواجهه یا توجه به سیستم بین‌الملل، به بسط تعمیم‌های خام در مورد سیاست خارجی محدود شدند. از دیدگاه والتز، نواقعی‌گرایی با این فرض شروع می‌شود که نظریه روابط بین‌الملل و نظریه سیاست خارجی، دو مساله متفاوت هستند که دارای مفاهیم متفاوتند و نباید این دو را یکسان قلمداد کرد. نورنالیسم برای دستیابی به هدف تشریح رفتار دولت-ملت‌های مختلف و مداومت حیات سیاسی بین‌المللی، بسیاری از فاکتورهایی که در واقع‌گرایی مهم هستند را حذف می‌کند. نورنالیسم فرض می‌کند که قاعده‌مندی‌ها و تکرارها در سیاست بین‌الملل نشانه‌های فعالیت موانع ساختاری عمیق هستند در این خصوص اینگونه استدلال می‌شود که بزرگترین پیشروی نواقعی‌گرایی نسبت به واقع‌گرایی، تصمیم برای مفهومی کردن سیاست بین‌الملل به عنوان سیستمی با یک ساختار دقیقاً تعریف شده است. (هشترودی، ۱۳۸۹).

### ۳. مؤلفه‌های داخلی تشدیدکننده تعارضات میان ایران و امریکا

در بررسی تاریخ معاصر ایران به ویژه در چهار دهه گذشته، سیاست خارجی ایران هیچ‌گاه تهاجمی نبوده است. اما این امر به مثابه عقب‌نشینی از اهداف و اصول انقلابی نیز نمی‌باشد. لذا در برخی موارد اگر اقداماتی در عرصه بین‌المللی از سوی ایران صورت گرفته است، تنها در راستای تنبیه و تنبه کشورهای مهاجم و گروه‌های تروریستی بوده است. بر همین اساس مقام معظم رهبری به این مطلب اشاره واضحی دارند؛ «گفتم دوران بز و دررو تمام شده؛ این جور نیست که شما بگویید می‌زنیم و درمی‌رویم؛ نخیر، پاهایتان گیر خواهد افتاد و ما دنبال می‌کنیم. این جور نیست که ملت ایران رها کند کسی را که بخواهد به ملت ایران تعرضی بکند؛ ما دنبال خواهیم کرد» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶). مقام معظم رهبری در سال ۱۳۹۴ در جمع نمازگزاران عید سعید فطر بیان داشتند: «همان‌طور که بارها تکرار کردیم، ما با امریکا در مورد مسائل گوناگون جهانی و منطقه‌ای مذاکره‌ای نداریم؛ در مورد مسائل دوجانبه مذاکره‌ای نداریم؛ گاهی در موارد استثنائی مثل این مورد هسته‌ای، براساس مصلحت، مذاکره کرده‌ایم؛ سیاست‌های امریکا در منطقه با سیاست‌های جمهوری اسلامی ۱۸۰ درجه اختلاف دارد. امریکایی‌ها حزب‌الله را و مقاومت لبنان را (که فداکارترین نیروهای دفاع ملی در یک کشورند) متهم به تروریسم می‌کنند، از این بی‌انصافی بالاتر نمی‌شود. آن وقت در مقابل، دولت



تروریست صهیونیستی کودک‌کش را مورد حمایت خودشان قرار می‌دهند، با یک‌چنین سیاستی چگونه می‌شود معامله کرد، چگونه می‌شود مذاکره کرد، چگونه می‌شود به توافق رسید؟» (بیانات، ۱۳۹۴/۰۴/۲۷).

بنابراین یکی از مؤلفه‌های اختلافات مبنایی نظام جمهوری اسلامی ایران با دولت امریکا اتخاذ سیاست نفی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری از سوی جمهوری اسلامی می‌باشد. در واقع سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، مبتنی بر اصولی می‌باشد که بعضاً به تشدید تعارضات با امریکا می‌انجامد. همچنین جمهوری اسلامی ایران یکی از کانون‌های مقاومت در مقابل قدرت هژمونیک امریکا است. مروری بر آموزه‌های انقلاب اسلامی در سیاست خارجی نیز در اینجا قابل توجه است. هر یک از آموزه‌های صدور انقلاب؛ ام‌القرای اسلامی؛ گفتگوی تمدن‌ها و عدالت‌گرایانه به نوبه خود، به مقاومت‌گرایی در مقابل ماهیت غربی نظام بین‌الملل عمق بخشیده و هویت‌گرایی و همبستگی اسلامی با ائتلاف‌گرایی هویتی؛ گسترش امنیتی به حوزه‌های پیرامونی را تقویت نموده است. این پیامدها همه حاکی از عمیق‌تر شدن تقابل راهبردی بین ایران و ایالات متحده امریکا گردیده است (قوام، ۱۳۸۳: ۹۳-۹۴). مهم‌ترین مؤلفه‌های داخلی تأثیرگذار در رویکرد تقابل‌آمیز میان ایران و ایالات متحده امریکا عبارتند از؛ ماهیت استکبار ستیز انقلاب اسلامی، حمایت از مظلومین سراسر جهان، صدور انقلاب و مبارزه با هژمونی نظام سلطه و یک‌جانبه‌گرایی امریکا.

### ۱-۳. استکبار ستیزی انقلاب اسلامی و حمایت از مظلومین سراسر جهان

استکبارستیزی در واقع برخاسته از ویژگی مخالفت اسلام با هرگونه ظلم و ستم علیه دیگران و همچنین ستم‌پذیری است. به دیگر سخن، اسلام از یک سو با تعدی به دیگران مخالف است و از سوی دیگر به مردم توصیه می‌کند که زیر بار ظلم نروند و با آن مقابله کنند. این کلمه، واژه‌ای قرآنی است که بارها در آن آمده و از این کتاب آسمانی وارد فرهنگ انقلاب اسلامی شده است. خداوند در قرآن کریم بارها از مستکبران بیزاری جسته و درمورد نشانه‌های آنها می‌فرماید: «آن‌ها (مستکبران) چنانند که هر آیه و نشانه‌ای را ببینند به آن ایمان نمی‌آورند، اگر راه هدایت را ببینند آن را انتخاب نمی‌کنند و اگر راه گمراهی را ببینند به عنوان راه خود انتخاب می‌کنند. (همه اینها) به خاطر آن است که

آیات ما را تکذیب کردند و از آن غافل بودند» (سوره اعراف، آیه ۱۴۶) در آیات متعدد به مستکبران وعده عذاب دردناک جهنم داده شده است. مفهوم استکبار از جمله مهمترین مفاهیمی است که حضرت امام خمینی (ره) آن را در توصیف رفتار ظالمانه آمریکا با سایر ملت‌ها به کار برده‌اند و در بیانات مقام معظم رهبری نیز تداوم و تکامل یافته است. امام خمینی (ره) در پیامی تمامی رفتاری‌های ملت‌های مظلوم عالم را از آمریکا و خوی سلطه‌طلبی و استکباری آن دولت می‌داند و عزم ملت ایران را تا ریشه‌کنی این خوی بیان می‌فرمایند و علت اساسی اختلاف بین ایران و آمریکا را کنار نیامدن و تحت سلطه آمریکا قرار نگرفتن ملت ایران معرفی می‌کنند و تمام مصائب وارده بر ایران را ناشی از همین موضوع می‌دانند: «امریکا دشمن شماره یک مردم محروم و مستضعف جهان است. آمریکا برای سیطره سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و نظامی خویش بر جهان زیر سلطه، از هیچ جنایتی خودداری نمی‌نماید. چه اگر ما با آمریکا و سایر ابرقدرت‌ها کنار آمده بودیم گرفتار این مصائب نبودیم. ما با آمریکا در ستیزیم» (امام خمینی، ج ۱۳: ۲۱۲).

رهبر انقلاب اسلامی، نیز در این زمینه بیانات مفصل و مستدلی دارند که از جمله آنها می‌توان به این سخنان اشاره کرد: «استکبار در گذشته هم بوده است و تا امروز هم ادامه دارد. استخوان‌بندی استکبار در همه دوره‌ها یکی است، البته شیوه‌ها و خصوصیات و روش‌ها در هر زمانی تفاوت می‌کند. امروز هم نظام استکباری وجود دارد، رأس استکبار هم در دنیا، دولت ایالات متحده آمریکا است» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹).

در اصل ۱۵۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سعادت، استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل، حق همه مردم جهان دانسته و اضافه شده است: (جمهوری اسلامی ایران) در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر، از مبارزه حق طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. امروزه روشن‌ترین مصداق استکبار، دولت سلطه‌جو و استعمارگر آمریکا است.

از دیگر مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، حمایت از مستضعفان و مسلمانان جهان، از اصول مهمی هست که در قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. اصل سوم بند ۱۶ تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای

اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان و اصل ۱۵۴ جمهوری اسلامی ایران در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند. امام خمینی (ره) از آغاز پیروزی انقلاب اسلامی به‌ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در بیانات و نوشته‌های خود، بر حمایت از محرومان و مستضعفان تأکید می‌کرد: «ملت آزاده ایران اکنون از ملت‌های مستضعف جهان در مقابل آنهایی که منطبقشان توپ و تانک و شعارشان سرنیزه است، کاملاً پشتیبانی می‌کند. ما از تمام نهضت‌های آزادی‌بخش در سرتاسر جهان که در راه خدا و حق و حقیقت و آزادی مبارزه می‌کنند، پشتیبانی می‌کنیم» (امام خمینی، ج ۱۲: ۱۳۸). ایشان همچنین می‌گویند: «ملت اسلام پیرو مکتبی است که برنامه‌های آن مکتب خلاصه می‌شود در دو کلمه لا تَظْلَمُونَ وَلَا تُظَلَّمُونَ» (امام خمینی، ج ۱۴: ۸۱)؛ «ما باید از مستضعفان جهان پشتیبانی کنیم، زیرا اسلام پشتیبان تمام مستضعفان جهان است» (امام خمینی، ج ۴: ۳).

در حالی که بر اساس نگرش ساختاری در نظام بین‌الملل، رفتار دولت‌ها نسبت به یکدیگر بر پایه نبود اقتدار مرکزی تنظیم می‌شود. اصل نظم‌دهنده نظام بین‌الملل، دولت‌ها را وامی‌دارد تا بدون توجه به میزان ظرفیت خود به وظیفه اولیه خویش یعنی تقویت قدرت نظامی و خودیاری اقدام کنند. در این فرایند، دولت‌ها می‌آموزند که ضمن اتکا به خود و بی‌اعتمادی نسبت به دیگران، از طریق انباشت امکانات برای جنگیدن علیه یکدیگر، امنیت خویش را حفظ نمایند (عباسی، ۱۳۹۰: ۵۳۰). بنابراین در چنین شرایطی جمهوری اسلامی ایران با اذعان به وضعیت آناارشی حاکم بر جامعه جهانی، به مقابله با قدرت‌های استکباری و حمایت از مستضعفان جهان برخاسته و آمریکا را مهمترین مستکبر جهانی می‌داند. لذا انقلاب اسلامی ایران، برپایه چنین تفکری به مقابله با ستمگران و مستکبران پرداخته است و به همین دلیل، مورد خشم و غضب آنها قرار گرفته است.

## ۲-۳. صدور انقلاب و مبارزه با هژمونی نظام سلطه در سراسر جهان

صدور انقلاب اسلامی در راستای افزایش قدرت و نفوذ منطقه‌ای و ائتلاف‌بندی علیه دشمنان می‌باشد، که اندیشمندان نورئالیست معتقدند؛ فضای نظام بین‌المللی اصولاً

برگرفته از دولت‌ها، سازمان‌های مختلف، ائتلاف‌بندی‌های امنیتی راهبردی می‌باشد که منطق نظام حاکم بر آن آنارشی است ولی هنجارهای خاص نظام بین‌الملل که متأثر از منافع قدرت‌های بزرگ مؤثر در روند امنیتی جهانی می‌باشند. بر ایجاد فضا یا محدود نمودن سطح تأثیرگذاری راهبردی امنیت دولت‌ها تأثیر ویژه‌ای دارد.

بر اساس اصل صدور انقلاب؛ در مقدمه قانون اساسی می‌خوانیم؛ «قانون اساسی با توجه به محتوای انقلاب اسلامی ایران که حرکتی برای پیروزی مستضعفین بر مستکبرین بود، زمینه تداوم این انقلاب را در داخل و خارج کشور فراهم می‌کند، به ویژه در گسترش روابط بین‌المللی با دیگر جنبش‌های اسلامی و مردمی می‌کوشد تا راه تشکیل امت واحد جهانی را هموار کند. «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (سوره انبیاء، آیه ۹۲) و استمرار مبارزه در نجات ملل محروم و تحت ستم در تمامی جهان قوام یابد».

بنابراین صدور انقلاب اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در راستای تشکیل ائتلاف جهانی و مبارزه با نظام سلطه در سراسر جهان می‌باشد تا با تکیه بر این اصل به نجات سایر ملت‌های مظلوم جهان نیز کمک شده باشد (غرایاق زندی، ۱۳۸۸: ۶۷-۶۵). رهبر انقلاب اسلامی در ۲۸ مرداد ماه ۱۳۸۶ در دیدار مهمانان شرکت در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت علیهم‌السلام این‌گونه توصیف کردند: «با وجود همه این تبلیغات، تفکرات انقلاب اسلامی ایران به همه نقاط دنیای اسلام گسترش یافته است و بیداری، حرکت و هویت اسلامی کنونی در میان مسلمانان با بیست سال گذشته قابل مقایسه نیست. در مقابل این نشاط و پیشرفت دنیای اسلام، امریکا نسبت به بیست سال گذشته ضعیف‌تر شده است و آن ابهت و قدرت سابق را ندارد. ضمن آن که امریکا و دنباله‌روهای آن، اکنون در گرداب‌هایی گرفتار شده‌اند که هر چه زمان می‌گذرد، بیشتر در آن فرو می‌روند و آینده خطرناکی برای آنها پیش‌بینی می‌شود» (بیانات، ۱۳۸۶/۰۵/۲۸).

بر اساس مؤلفه فوق سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در تقابل واضح با هژمونی ایالات متحده امریکا قرار می‌گیرد و «با تکیه بر آموزه‌های اسلامی، نظام ظالمانه سلطه را رد و صلح و امنیت و سعادت همه ملت‌ها را پیگیری می‌کند و به همین علت نظام سلطه جهانی، ذاتاً با نظام اسلامی، دچار چالش است» (بیانات: ۱۳۸۶/۰۵/۳۰).

### ۳-۳. فرهنگ مقاومت

فرهنگ مقاومت در سیاست خارجی ایران یکی از مهمترین مؤلفه‌های مؤثر در امنیت ملی می‌باشد، که در رهیافت نورنالیسم نیز امنیت یکی از مهمترین مؤلفه‌ها می‌باشد. فرهنگ مقاومت ترکیبی از آموزه‌های دینی و تاریخی همراه با فرهنگ ایرانی، موجب برانگیخته شدن حس استقلال طلبی و فرهنگ مقاومت در برابر نظام سلطه و قدرت‌های مستکبر خارجی در میان مردم و به تبع آن در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران شده است که هدفی به نام منزلت و عزت را دنبال می‌کند. نشانه‌های اصلی فرهنگ مقاومت در ایران را می‌توان بر اساس مفاهیمی همانند خوداتکایی، پایداری، مقاومت، بازدارندگی، دفاع مؤثر و کنش نامتقارن مورد توجه قرار داد. هریک از این مفاهیم به عنوان بخشی از نشانه‌شناسی فرهنگ مقاومت محسوب می‌شود (براتعلی پور، ۱۳۹۰: ۲۱۳). فرهنگ مقاومت زمانی به کمال می‌رسد که تمامی جوامع اسلامی به مثابه یک امت واحد در قبال فرهنگ مقاومت عمل کنند و این مهم میسر نمی‌گردد، مگر به واسطه تشکیل یک جبهه واحد مقاومت متشکل از کشورهای اسلامی که به ارزش این مفهوم والا رسیده‌اند. قدم اول برای تشکیل چنین جبهه‌ای، شناخت ملزومات و سپس محقق کردن مفهوم امت قرآنی است.

قرآن کریم یکی از ویژگی‌های پیروان گرامی اسلام را دوستی و رحمت با مسلمین و دشمنی و مقابله با کفار مطرح می‌فرماید: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءَ بَيْنَهُمْ» (سوره فتح، آیه ۲۹)؛ «محمد (ص) پیامبر خداست و کسانی که با اویند، بر کافران سختگیر [و] با همدیگر مهربانند» و سپس بعد از بیان رابطه مومنان، به آنان می‌فرماید: «وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ فَعَلَيْكُمُ النَّصْرُ» (سوره انفال، آیه ۷۲)؛ «و اگر در [کار] دین از شما یاری جویند، یاری آنان بر شما [واجب] است.» همانگونه که در بیان نورانی این آیه شریفه مشهود است، جامعه اسلامی مکلف به کمک رساندن مؤمنانی است که درخواست یاری دارند.

خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا لَكُمْ لَأْتَقَاتُلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا» (سوره نساء، آیه ۷۵)؛ «و چرا شما در راه خدا و

[در راه نجات] مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟ همانان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم پیشه‌اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یاری برای ما تعیین فرما! در این آیه، خداوند متعال به صرف آنکه عده‌ای از مؤمنین مورد ظلم و ستم قرار گرفته باشند، جامعه اسلامی را مکلف می‌داند که به یاری آنان شتافته و حتی با دشمن به پیکار پردازند و این در واقع همان دستور به تشکیل جبهه واحد مقاومت برای مبارزه با مستکبران و ظالمان و نجات مظلومان و مستضعفان عالم است. واضح است که مقاومت صرف دفاع نیست؛ بلکه جهاد به انواع آن و پیکار و قتال با کفار، تحت مفهوم مقاومت می‌گنجد. نکته قابل تأمل، خطاب عتاب‌گونه به مسلمانان است که چرا به یاری مسلمانان ستم دیده نمی‌شتابید «وَمَا لَكُمْ لَأْتَأْتُلُونَ»؟ همچنین از عبارت «وَالْمُسْتَضْعَفِينَ» فهمیده می‌شود که جهاد و جبهه مقاومت اسلامی مرز معینی ندارد؛ بلکه هر جا مستضعفی باشد، جهاد و تشکیل جبهه مقاومت لازم است (قرائتی، ۱۳۷۴، ج ۲: ۳۲۹).

بر این اساس فرهنگ مقاومت یکی از موضوعات بنیادین ساختار سیاسی ایران محسوب می‌شود. اسلامیت، جمهوریت، حاکمیت، استقلال، امنیت، تمامیت ارضی، افتخارات ملی، عدالت و رفاه و از همه مهمتر کیان اسلام و تشیع در جهان، محورهای اصلی منافع ملی انقلاب اسلامی ایران را تشکیل می‌دهند که همواره در جبهه تقابل انقلاب با دنیای استکبار قرار داشته است (اسدی، رجبی، ۱۳۹۶: ۱۷).

#### ۴-۳. مقابله با یک‌جانبه‌گرایی ایالات متحده آمریکا

در حالیکه یک‌جانبه‌گرایی یکی از رویکردهای بنیادین در تاریخ سیاست خارجی آمریکا به شمار می‌رود؛ سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران همواره مبتنی بر مخالفت با یک‌جانبه‌گرایی و مشارکت فعال در سازمان‌های بین‌المللی و چندجانبه‌گرایی برپایه عدالت و احترام متقابل می‌باشد. اما با توجه به یک‌جانبه‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا، جمهوری اسلامی ایران در همکاری با کشورهایی همانند چین و روسیه به تقابل با آمریکا روی آورده است. که مهمترین نمود این همکاری را می‌توان در عضویت دائمی ایران در سازمان همکاری شانگهای مشاهده کرد. مخالفت ایران با یک‌جانبه‌گرایی آمریکا را عمدتاً می‌توان در دو سطح منطقه‌ای و بین‌المللی تحلیل کرد. در سطح منطقه‌ای، تفکر

راهبردی ایران این است که دخالت‌های آمریکا در غرب آسیا، عامل اصلی ناامنی‌ها و بی‌ثباتی‌هاست. اگرچه ایران با برخی اقدامات نظامی آمریکا در منطقه همراهی محتاطانه کرده (حمله به افغانستان در سال ۲۰۰۱) یا از آنها سود برده است (سرنگونی صدام در سال ۲۰۰۳)، به‌طور اصولی، با حضور نظامی آمریکا در منطقه مخالف است و آن را تهدید وجودی برای خود می‌داند. برای مقابله با این تهدید وجودی، ایران جایگاه قدرت منطقه‌ای خود را در نقش بازیگری امنیتی در غرب آسیا تثبیت کرده است. حضور و نفوذ ایران در عراق، سوریه، لبنان و یمن در این راستا قابل تحلیل است. طبعاً افزایش نفوذ منطقه‌ای ایران موجب احساس ناامنی و تهدید آمریکا و متحدان منطقه‌ای آن شده است؛ اما چالش ایران و آمریکا فقط به مسائل منطقه‌ای محدود نمی‌شود. در سطح بین‌المللی نیز می‌توان ایران را بازیگری تجدیدنظرطلب به‌شمار آورد؛ زیرا ایران توزیع قدرت موجود در عرصه بین‌المللی را ناعادلانه، تبعیض‌آمیز و تأمین‌کننده منافع قدرت‌های بزرگ به‌خصوص آمریکا می‌داند (مسعودی، ۱۳۹۸).

در حالی که واشینگتن بر وسعت تحریم‌ها و خصومت خود با تهران افزوده، گاهی آن را تهدید می‌کند و گاهی با آن مذاکره می‌کند، تهران با قانع شدن سیاستمدارانش به ضرورت مقاومت در برابر یک‌جانبه‌گرایی آمریکا، به این سیاست واکنشی تقابلی نشان می‌دهد. این چرخه کنش و واکنش یک معضل امنیتی ایجاد می‌کند. هر یک از طرفین طرف مقابل را تهدید می‌بیند و برای دفع و خنثی کردن آن تدابیری را در نظر می‌گیرد. برای مثال، تهران انتقال برخی تجهیزات دریایی توسط واشینگتن به منطقه را تهدیدی می‌داند که باید با آن مقابله کرد. در نتیجه دست به اقدامات نظامی زد تا در صورت بروز هرگونه درگیری، خود را آماده کند. در مقابل، واشینگتن این اقدامات را یک تهدید تلقی کرد و به صدور هشدارها و آغاز اقدامات متقابل مانند خروج دیپلمات‌ها از بغداد منجر شد (Wong, 2019).

#### ۴. مؤلفه‌های خارجی و تشدید تعارضات میان ایران و آمریکا

افزون بر مؤلفه‌های داخلی که مورد اشاره قرار گرفت، علل و عوامل بسیاری نیز خارج از ایران، موجبات تشدید تعارضات میان ایران و آمریکا را فراهم می‌آورند. در واقع از زمان پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ و گروگان‌گیری آمریکایی‌ها در آن

سال، امریکایی‌ها تمایل دارند رژیم ایران را خطرناک، بی‌پروا و غیرمنطقی ببینند. در ادامه مباحثی همانند برنامه‌های هسته‌ای و تحرکات ضد اسرائیلی ایران، در ایالات متحده تمایل به این احساس را ایجاد می‌کند؛ که ایران یک ملت سرکش و بخشی از محور شرارت است (Samuel, 2013). افزون بر این می‌بایست به دشمنی و تحرکات نظامی امریکا علیه انقلاب اسلامی، لابی‌گری صهیونیسم، ایران‌هراسی، تهییج اعراب و کشورهای منطقه علیه ایران، تحریم‌ها و تحرکات اقتصادی امریکا علیه جمهوری اسلامی ایران و جنگ رسانه‌ای از دیگر مؤلفه‌های خارجی اثرگذار در این زمینه نام برد. در این مبحث به بررسی مؤلفه‌های خارجی دخیل در رویکرد تقابلی‌آمیز میان جمهوری اسلامی ایران و ایالات متحده امریکا می‌پردازیم.

#### ۱-۴. تحرکات و اقدامات نظامی امریکا علیه ایران

سیاست تهاجمی یکی از مؤلفه‌های نورئالیسم می‌باشد که در آن کشورها در راستای افزایش قدرت خود به تهاجم نظامی می‌پردازند. جان میرشایمر، در این باره معتقد است: دولت‌ها در جهانی زندگی می‌کنند که سرشار از تهدیدات است و واحدهایی‌اند که تمایل دارند قدرت خود را به حداکثر برسانند تا بتوانند به بقای خود ادامه دهند، بنابراین تهاجم نظامی انکارناپذیر می‌نماید (Mearsheimer, 2001: 31-35).

امریکا از بدو پیروزی انقلاب اسلامی به انحای مختلف در دشمنی و کارشکنی علیه انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران تلاش کرده است. از مهمترین اقدامات نامی امریکا علیه ایران می‌بایست به همکاری با عراق در جنگ تحمیلی، حمله به هواپیمای مسافربری ایران، حمله نظامی به ایران که منجر به حادثه طبس شد و از همه مهمترین می‌بایست به شهادت سردار سلیمانی در عراق اشاره کنیم. پس از تسخیر لانه جاسوسی در تهران که حیثیت جهانی امریکا را به شدت خدشه‌دار و ابهت این ابرقدرت را درهم شکست. امریکایی‌ها در حمله نظامی به ایران مصمم شدند و سر انجام در پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۵۹ نیروهای خود را در یکی از فرودگاه‌های متروکه واقع در صحرای طبس پیاده کردند. اما در نهایت اعجاب و ناباوری، به امر خداوند هواپیماها و بالگردهای امریکایی در دام طوفان سهمگین شن گرفتار شدند و ناگهان طبس به جهنمی هولناک و گورستانی وحشت‌انگیز برای امریکایی‌ها تبدیل شد و عملیات نظامی امریکا



به طور مفترضحانه به شکست انجامید (علیزده، ۱۳۸۸: ۱۰۳). در دوازدهم تیرماه ۱۳۶۷ شمسی برابر با سوم ژوئیه ۱۹۸۸ میلادی، هواپیمای مسافری ایرباس ایران که از بندرعباس عازم دبی بود، بر فراز آب‌های خلیج فارس و در نزدیکی جزیره هنگام مورد هجوم یگان‌های دریایی متجاوز امریکایی مستقر در آب‌های خلیج فارس قرار گرفت و سقوط کرد. این هواپیما که با موشک ناو جنگی وینسنس مورد حمله عمدی نیروهای تجاوزگر و جنایت پیشه شیطان بزرگ قرار گرفت حامل ۲۹۸ مسافر و خدمه بود که تمامی آنها اعم از مرد و زن و کودک و نوجوان و کهنسال با وقوع این جنایت فجیع به شهادت رسیدند. ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران از سوی جنایتکاران امریکایی، در حقیقت یکی دیگر از مراحل رویارویی استکبار جهانی با جمهوری اسلامی ایران برای تقویت متجاوزان عراقی در جبهه‌های جنگ بود. پس از سقوط این هواپیما، مقامات امریکایی برای توجیه این جنایت نابخشودنی، دلایل ضد و نقیضی عنوان کردند و کوشیدند این اقدام خصمانه را یک اشتباه قلمداد کنند. اما با توجه به مجهز بودن کشتی جنگی وینسنس به پیشرفته‌ترین سیستم‌های راداری و رایانه‌ای و همچنین مشخص بودن نوع هواپیمای در حال پرواز، مسلم شد که احتمال اشتباه وجود نداشته و این اقدام، کاملاً خصمانه بوده است. از دیگر اقدامات نظامی امریکا علیه ایران می‌بایست به ترور سردار سلیمانی اشاره کنیم. در ۱۳ دیماه ۱۳۹۸ سردار سپهبد قاسم سلیمانی و یارانش از جمله ابومهدی المهندس در بغداد به دست نیروهای امریکایی و با فرمان مستقیم شخص دونالد ترامپ رئیس جمهوری امریکا در یک اقدام تروریستی به شهادت رسیدند. همه این موارد بیش از پیش به تشدید تعارضات تقابل‌آمیز میان ایران و امریکا را رقم زده است، بگونه‌ای که جمهوری اسلامی ایران نیز پاسخ‌هایی قاطع همانند حمله موشکی به پایگاه نظامی عین الاسد در ساعات اولیه ۱۸ دی ۱۳۹۸ همزمان با مراسم تشییع شهید سلیمانی، به حملات امریکا داده است.

#### ۲-۴. لابی‌گری صهیونیسم

لابی‌گری صهیونیست‌ها در ایالات متحده یکی از مهمترین مؤلفه‌های تأثیرگذار در سیاست خارجی تهاجمی این کشور در رویکرد تقابلی علیه ایران می‌باشد. بر این اساس تقریباً می‌توان گفت که امریکا و اسرائیل پس از جنگ جهانی دوم روابط ویژه‌ای

داشته‌اند و گروه آپیک<sup>۱</sup> همواره تداوم این رابطه را تضمین کرده است. مجموعه‌ای از عوامل در شکل‌گیری سیاست خارجی هر کشور در داخل، ملی و بین‌المللی نقش دارند که برآیند کنش و واکنش این عوامل به عنوان پیامد و سیاست خارجی ارائه می‌شود. سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا نیز همین روند است، بر این اساس با توجه به نظرات روابط بین‌الملل، کدام یک از سطوح مهم در تحلیل سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، سطح داخلی است که یکی از اجزای آن بررسی نقش گروه‌های فشار در شکل‌گیری سیاست خارجی این کشور، عملاً فعالیت هیچ گروهی به اندازه لابی صهیونیستی در این موضوع برجسته و برجسته نیست. بطور مثال در ۵ آگوست ۲۰۱۵، در اوج نبرد در واشینگتن بر سر توافق هسته‌ای ایران، باراک اوباما در سخنرانی خود در دانشگاه امریکن اظهاراتی صریح و غیرمستقیم مطرح کرد. او اعلام کرد: بیاید کلمات را خرد نکنیم. انتخابی که ما با آن روبرو هستیم در نهایت بین دیپلماسی یا نوعی جنگ است. سخنان اوباما باعث اعتراض رهبران یهودی آمریکایی و مشاوران سیاست خارجی آنها شد. رابرت ساتلوف از مؤسسه جنگ طلب واشینگتن برای سیاست خاور نزدیک، در سخنانی به کنفرانس رؤسای سازمان‌های بزرگ یهودی آمریکا، اظهار نظر مبنی بر اینکه رد توافق ایران منجر به درگیری نظامی می‌شود، شرم‌آور خواند (Beinart, 2022). البته باید توجه داشته باشیم که بازیگری لابی اسرائیل علیه ایران به روابط دوجانبه ایران و آمریکا محدود نمی‌شود و با توجه به عواملی که سبب‌ساز بسط نفوذ ایران در خاورمیانه شده است، طرفداران اسرائیل در آمریکا مقابله با کنشگری منطقه‌ای ایران و قرار دادن واشینگتن در کنار تل آویو در جهت مهار قدرت و نفوذ خاورمیانه‌ای ایران را در مرکز توجه خود قرار داده‌اند. تلاش لابی اسرائیل برای ائتلاف‌سازی علیه ایران در سطح منطقه و تکاپو برای هراساندن همسایگان ایران از مقاصد و اقدامات تهران از مباحثی است، که به تعارضات تقابلی آمیز میان ایران و آمریکا بیش از پیش دامن می‌زند (زهرانی، رستمی، ۱۳۹۵: ۱۱۷-۱۱۹).

آپیک به عنوان یکی از مهمترین گروه‌های صهیونیستی در آمریکا با تحریف تاریخ اخیر به این نکته اشاره می‌کند که دلیل پیشرفت هسته‌ای ایران این نیست که آمریکا حرف

1. AIPAC

خود را زیر پا گذاشته است، بلکه این است که امریکا شمشیر خود را غلاف کرده است. آپیک یادداشت خود درباره ایران را با استناد به نامه مشترک ساتلوف و رأس پایان می‌دهد که اعلام می‌کند «بازگرداندن ترس ایران از این که مسیر هسته‌ای فعلی‌اش باعث استفاده از زور توسط ایالات متحده علیه ایران شود، حیاتی است. در این نامه پیشنهاد می‌شود که ایالات متحده فوراً شروع به اقدام قهرآمیز (که اصطلاحی است برای اقدام نظامی) علیه سایر خشم‌های ایران باشد. ساتلوف و رأس پیشنهاد می‌کنند که انجام این کار، ممکن است تأثیر مفیدی در تأکید بر جدیت تعهدات ایالات متحده برای اقدام در مورد موضوع هسته‌ای داشته باشد. (Beinart, 2022). بنابراین لابی صهیونیسم و گروه‌هایی همانند آپیک یکی از علل مؤثر در کشاندن واشینگتن به مواجهه با تهران و یکی از علل عمده در روابط تقابلی میان ایران و امریکا می‌باشد.

### ۳-۴. ایران‌هراسی و شیعه‌هراسی

ایران‌هراسی یکی از مهمترین پروژه‌هایی می‌باشد که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و به ویژه در سال‌های اخیر از سوی ایالات متحده امریکا و همپیمانانش پیگیری شده است. امریکا با بزرگ‌نمایی تهدید ایران برای کشورهای منطقه و یکسان دانستن این تهدید برای همه بازیگران منطقه‌ای، ضمن ایجاد ائتلاف همه جانبه منطقه‌ای علیه ایران، این تهدید مشترک را مبنایی برای نزدیکی، حضور و مشروعیت منطقه‌ای رژیم صهیونیستی قرار داده است (معراجی، ۱۳۹۹: ۹۷).

افزایش اقدام‌های تعرضی وهابیون علیه شیعیان در پانچار پاکستان و دره اسماعیل خان افغانستان، تداوم بی‌ثباتی‌های امنیتی ناشی از منازعات فرقه‌ای در شرق ایران، انفجارهای متعدد تروریستی در عتبات عالیات در عراق لزوم اقدام مؤثر برای حفاظت از امنیت زائران ایرانی، حمایت‌های خزننده برخی رجال سیاسی امارات و عربستان مانند شاهزاده بندر بن سلطان از گروه‌های تکفیری و ادعاهای تبلیغاتی مکرر اردن و مصر مبنی بر تلاش تهران برای مهندسی امنیتی جغرافیای سیاسی شیعه در خاورمیانه عربی بیانگر ضرورت آسیب شناسی حملات تبلیغاتی شیعه‌هراسی از رویکرد امنیت ملی است. از طرفی همزمان ایالات متحده برنامه‌ریزی می‌کند حداکثر منافع جهانی خود را در فضای هراس آلود میان تشیع و تسنن در منطقه تضمین نموده و با استفاده از ابزارهای

دیپلماسی عمومی به گسترش واگرایی فرقه‌ای میان شیعه و سنی در منطقه دامن زند تا ضریب احتمال شکل‌گیری پیمان‌های دفاعی درون سیستمی و تحقق امنیت بومی و پایدار که شرط اولیه آن وجود اعتماد متقابل است را کاهش داده و جمهوری اسلامی ایران را در معادلات منطقه‌ای منزوی کند.

برخی مصادیق آفند تبلیغاتی شیعه‌هراسی و ارتباط دهی آن با جمهوری اسلامی ایران عبارتند از:

- حمایت از تمامیت ارضی بحرین در برابر ادعاهای تاریخی جمهوری اسلامی ایران؛
- حمایت تهران از شیعیان مراکش، تلاش برای گسترش مذهب تشیع و تضعیف بنیان‌های مذهبی این کشور (Darwich & Kaarbo, 2020)؛

یکی از روش‌های مخالفان نظام جمهوری اسلامی ایران؛ تحریک و تشویق گروه‌های افراطی سلفی به انجام اقدام‌های تروریستی علیه شیعیان به ویژه شیعیان جمهوری اسلامی ایران که از مهم‌ترین مصادیق آن می‌توان به اقدام‌های تروریستی جندالشیطان (عبدالمالک ریگی) و سپاه صحابه اشاره کرد.

#### ۴-۴. سازماندهی به اعراب علیه ایران

امریکا همزمان با تحریک و تجهیز صدام در جنگ علیه ایران، به سازماندهی کشورهای عربی منطقه در حمایت از صدام در مبارزه با ایران پرداخت. بخشی از کمک‌های عربستان و کویت به عراق متأثر از همین سازماندهی بوده است. ریاض و کویت ۳۰ میلیارد دلار در طول جنگ به عراق کمک کردند. در این جنگ کویت بخشی از خاک خود را در اختیار عراق گذاشته بود تا بغداد از آن جهت موشک باران علیه ایران استفاده کند. در اثر همین خوش خدمتی، عراق پاسخ آن را داد و کویت را چند ماهی به اشغال خود درآورد و در نهایت با ائتلافی از قدرت‌های بزرگ، از خاک کویت عقب‌نشینی کرد (امامی، ۱۳۷۹: ۲۹ - ۳۱). امروزه نیز ایالات متحده تلاش می‌کند با بهره‌گیری از کشورهای همانند عربستان، امارات متحده عربی با همراهی رژیم صهیونیستی یک جبهه ضد ایرانی در منطقه تشکیل دهد، که هدف آن ایجاد فشار بر ایران می‌باشد.

این جبهه واشینگتن را تشویق می‌کنند که تهران را حتی به صورت محدود هدف قرار دهد تا آن را مجبور به عقب‌نشینی کنند. در واقع، دشمنان ایران در حال حاضر از طریق هدف قرار دادن نیروهای ایرانی در سوریه تلاش می‌کنند تا آنها را به انتقام بکشاند و تهدید ایران را به عنوان خطری برای تهدید منافع آمریکا در یمن، عراق و سایر مناطق معرفی کنند. تحت فشار قرار دادن تهران یک بازی مثبت است، به ویژه برای ریاض و ابوظبی، زیرا امیدوارند هدف قرار دادن آن می‌تواند نفوذ منطقه‌ای آن را کاهش دهد و با افزایش فشار از طریق تحریم‌ها، تهران ممکن است تحت تأثیر چالش‌های موجود در صحنه داخلی قرار گیرد که تمرکز آن بر امور منطقه را کاهش می‌دهد. بر اساس محاسبات این کشورها، در هر دو حالت، درآمد و سهم هر دو کشور از بازار جهانی انرژی در صورت نبود نفت و گاز ایران افزایش خواهد یافت (Ahmadian, 2019).

#### ۴-۵. سیاست مهار دوگانه

سیاست مهار دوگانه که شامل تحریم‌های اقتصادی گوناگونی علیه ایران و عراق می‌شد، هدف اصلی خود را مهار هم‌زمان ایران و عراق از طریق محاصره اقتصادی و تکنولوژیک و تسلط کامل آمریکا بر منطقه استراتژیک خلیج فارس از طریق انزوای بین‌المللی ایران و عراق قرار داده بود. این سیاست که انزوا و تضعیف دو کشور ایران و عراق را مد نظر داشت، درصدد ممانعت از کنترل منطقه توسط ایران و عراق به سود اسرائیل و کشورهای محافظه‌کار عرب بود. در واقع، سیاست مهار به عنوان راه حلی دراز مدت برای مسائل مرتبط با اثبات خلیج فارس برای آمریکا، مطرح نشد، بلکه شیوه‌ای بود که ایالت متحده با کارگیری آن قصد داشت دو دشمن نظام منطقه‌ای مورد نظرش را به صورت موقت و انزوا بکشاند مهار ایران، در عرصه سیاسی، اقتصادی اصلی سیاست خارجی کلینتون در منطقه اینگونه اعلام شد.

- ۱- دستیابی به صلح فراگیر و پایدار اعراب و اسرائیل
- ۲- حفظ امنیت اسرائیل
- ۱- جلوگیری از کشمکش منطقه‌ای و مهار خطرات ایران، عراق و لیبی
- ۲- تضمین جریان آزاد نفت
- ۳- رویارویی با تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی (امامی، ۱۳۷۹: ۱۲۱)

در مجموع باید گفت که این سیاست بخشی از مهار همزمان عراق و ایران موسوم به مهار دوگانه بود که با سیاست‌های دولت‌های گذشته امریکا متفاوت می‌باشد. تحریم ایران بخشی از مهار ایران و نه تمامی آن است. به عبارتی سیاست مهار ایران از تحریم‌های کلاسیک تجاری و اقتصادی فراتر است و در متن خود هدفی چون تضعیف قدرت ایران و جلوگیری از رشد همه‌جانبه کشور را دنبال می‌کند (سجادپور، ۱۳۷۶، ۳۲). علاوه بر این موارد شکل‌گیری اتحاد مثلث (امریکا، اسرائیل، ترکیه)، مطرح شدن هر از چند گاه نقض حقوق بشر در ایران، متهم کردن تهران به تروریسم و تلاش در دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای هم در راستای مهار ایران و تعدیل سیاست جمهوری اسلامی در رابطه با امریکا حکایت دارد. به گونه‌ای که دیویدولچ کفیل دستیار وزارت خارجه امریکا در امور خاورمیانه نزدیک در مورد سیاست دولت کلینتون در قبال ایران می‌گوید: انگیزه سیاست ما در قبال ایران، دشمنی با نظام اسلامی نیست. بلکه سیاست‌های خارجی ناشایست این نظام خاطی است! به ویژه حمایتش از تروریسم، تلاش باری دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی، مخالفتش با فرایند صلح خاورمیانه، کوشش آن برای براندازی دولت‌های همسایه و احترام نگذاشتن به معیارهای بین‌المللی حقوق بشر. هدف از سیاست ما تغییر این رفتار از راه فشار اقتصادی و سیاسی و در همان حال، محدود کردن توانایی‌های ایران در مشکل آفرینی تا زمان تغییر آن سیاست‌هاست (امامی، ۱۳۷۹: ۱۲۱).

با اجرای تحریم‌های ناشی از فرمان‌های اجرایی کلینتون کلیه قراردادهای شرکت‌های امریکایی برای توسعه منابع نفتی ایران نظیر قرارداد یک میلیارد دلاری کونکو لغو گردید، خرید نفت به وسیله امریکایی‌ها از ایران که رقمی بالغ بر چهار میلیارد دلار بود، طی یک روند سه‌ماهه به صفر رسید و امریکا که اولین شریک تجاری ایران بود کلیه معاملات خود با ایران را قطع کرد (حسینی متین، ۱۳۹۱: ۷۸-۷۹). واردات ایران از امریکا نیز به‌طور چشم‌گیری کاهش یافت و جمهوری اسلامی ایران برای فروش نفت خود با مشکلات اساسی مواجه گردید و مجبور شد که کمی کمتر از قیمت جهانی به فروش نفت مبادرت ورزد، زیرا که شرکت‌های امریکایی و کنسرسیوم‌های وابسته به آنها بیش از ۶۰ درصد خرید و فروش نفت جهانی را در اختیار داشتند.

#### ۴-۶. جنگ رسانه‌ای علیه برنامه هسته‌ای ایران

جنگ رسانه‌ای آمریکا از همان اوایل دهه ۱۳۸۰ علیه برنامه‌های هسته‌ای ایران شدت بیشتری به خود گرفته است و امریکایی‌ها از آغاز بحث پرونده هسته‌ای ایران به انحاء مختلف به جنگ رسانه‌ای علیه ایران پرداخته‌اند. مواضع آمریکا در این جنگ رسانه‌ای در مقاطع مختلف ثابت بوده و همواره ایران را به پیگیری یک سیاست محرمانه هسته‌ای محکوم کرده‌اند. در این راستا علی‌رغم اعلام مقامات رسمی ایران مبنی بر صلح‌آمیز بودن برنامه‌های هسته‌ای ایران، در چارچوب (پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای)، به تصمیم قطعی ایران برای ساخت بمب اتم اصرار داشته‌اند. در استراتژی آمریکا لزوم برخورد با ایران به واسطه ابزارهایی چون تحریم، اعمال فشار و حتی حمله نظامی، به وسیله رسانه‌های گسترده و جهانی این کشور در مقیاس وسیعی دامن زده شده است؛ به طوری که این جنگ رسانه‌ای سبب شده است تا سایر رسانه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی نیز متأثر از رویکرد رسانه‌های آمریکا نسبت به موضوع هسته‌ای ایران باشند و یا اینکه اساساً رویکرد مثبتی به برنامه هسته‌ای ایران نداشته باشند (امیرانتخابی، ۱۳۹۰: ۹۳).

بر پایه بررسی‌های انجام شده، در طی این دوره زمانی مطرح شده در ادبیات مورد استفاده سران کاخ سفید که توسط رسانه‌های امریکایی علیه ایران جریان‌سازی شده است، عبارتند از: خطر برنامه هسته‌ای ایران، ایران تهدیدی علیه صلح جهانی، دخالت در امور عراق، ایران و عملیات و برنامه‌های تروریستی در مورد برنامه هسته‌ای دولت ایران، آمریکا از رادیو فردا و برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی صدای آمریکا به زبان فارسی نیز بهره می‌گیرد که بازتاب مواضع رسمی امریکا است. بررسی‌های به عمل آمده بیانگر آن است که این دو رسانه از فعال‌ترین رسانه‌ها در ایجاد جنگ رسانه‌ای در برنامه هسته‌ای ایران هستند. مطابق بررسی‌های انجام شده مهم‌ترین موضوعاتی که رسانه‌های آمریکا بدان پرداخته‌اند، عبارتند از:

۱- تضاد و تناقض در مواضع و تصمیم‌گیری‌های مقامات رسمی و غیررسمی

ایران؛

۲- حمایت ایران از گروه‌های تروریستی؛

- ۳- تمرکز بر همکاری‌های هسته‌ای ایران و روسیه و مواضع دوگانه روسیه در قبال ایران؛
- ۴- ادامه همکاری روسیه و ایران در احداث و راه‌اندازی نیروگاه بوشهر؛
- ۵- اعمال فشار کشورهای مختلف بر ایران؛
- ۶- تأکید بر وجود برنامه‌های هسته‌ای پنهان در ایران؛
- ۷- تأکید بر اینکه ایران فرصت کمی برای اثبات نیت خود دارد؛
- ۸- نگرانی آمریکا از برنامه‌های اتمی به خاطر تهدیدات آن برای صلح و امنیت کل جهان و به ویژه منطقه خاورمیانه (امیرانتخابی، ۱۳۹۰: ۹۵).

#### ۴-۷. خروج از برجام و شهادت سردار سلیمانی

در حالیکه اوپاما تلاش کرده بود با امضای برجام، زمینه‌های بهبود روابط را آغاز کند، دولت ترامپ با خروج از برجام و در ادامه با شهادت سردار سلیمانی بیش از پیش خصومت میان ایران و ایالات متحده را تشدید کرد. علی‌رغم تمام خوشبینی‌ها به برجام باید بدانیم که؛ برجام مخالفان زیادی در ایالات متحده، خاورمیانه و در میان برخی مقامات ایرانی داشت و خروج دولت ترامپ در سال ۲۰۱۸، همراه با اعمال مجدد تحریم‌ها، در میان کسانی که از رویکرد فشار حداکثری حمایت می‌کردند، محبوبیت داشت. بنابراین تا سال ۲۰۲۰، نه تنها فضای خصمانه پیش‌فرض بازگشته بود، بلکه با ترور سردار سلیمانی و اقدامات تلافی‌جویانه ایران علیه تحریم‌های آمریکا، تنش‌ها به طور قابل توجهی افزایش یافته است (Fawcett & Payne, 2022).

#### نتیجه‌گیری

روابط تقابلی‌آمیز میان ایران و آمریکا تحت تأثیر بنیان‌های سیاست خارجی دو کشور و مؤلفه‌های داخلی و خارجی بسیاری می‌باشد که بر اساس رهیافت نورئالیسم با تصویر آنارشیستی از نظام بین‌الملل هریک از طرفین در تلاش برای کسب قدرت بیشتر و تأمین امنیت به مقابله با یکدیگر برخاسته‌اند. به گونه‌ای که در پی فروپاشی شوروی آمریکا با اتخاذ سیاست یک‌جانبه‌گرایی، ادعای نظم نوین و رهبری مطلق بر جهان را سر داد. در این میان جمهوری اسلامی با راهبرد نه شرقی نه غربی، در مقابل این خوی سلطه‌گری



ایستاده است. لذا در شرایطی که قبل از انقلاب اسلامی، کشور ایران یکی از مهمترین شرکا و همراهان غرب و به ویژه آمریکا به شمار می‌رفت، در سال ۱۳۵۷ شمسی در ایران، انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از اصول و آموزه‌های اصیل اسلامی به پیروزی دست یافت، که برای غرب و نظام استکباری سلطه غیرقابل باور بود. امام خمینی رهبر و بنیانگذار انقلاب اسلامی با توجه به پیشینه دخالت‌های آمریکا در کشور، همواره در سخنان خویش از آمریکا به عنوان نماد استکبار و شیطان بزرگ یاد می‌کرد و بعد از او نیز مقام معظم رهبری دیدگاه مشابهی به آمریکا دارد.

آنچه در این مقاله به عنوان نتیجه ارائه می‌شود، اشاره به مؤلفه‌های داخلی و خارجی می‌باشد. لذا در بررسی ابعاد داخلی می‌توان گفت: انقلاب اسلامی ایران با استقرار نظام جمهوری اسلامی ایران جلوی جاه‌طلبی‌ها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا ایستاده است. قطع دست آمریکا در منطقه و صدور تفکر انقلاب اسلامی به سایر مسلمانان و دعوت آنان به ایستادگی در مقابل ظلم و استکبار، علت دیگر دشمنی‌های آمریکا با ایران است و مهمترین بعد دشمنی ایران با آمریکا جنبه سیاسی و فرهنگی است. از نظر مسئولان و رهبران انقلاب اسلامی، آمریکا خوی استکباری دارد. که این نكوهش و لزوم ایستادگی در مقابل این خصلت حتی در قبل از انقلاب و در بیانات و پیام‌های حضرت امام خمینی (ره) بنیان‌گذار جمهوری اسلامی کاملاً مشاهده می‌شود و به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی، این بعد از دشمنی کاملاً قوی‌تر، در عمل خود را نشان داده است.

توجه قانون‌گذاران قانون اساسی به حمایت از مظلومان جهان نه فقط در یک اصل که در چند اصل مورد تأکید قرار گرفته که نشان دهنده اهمیت موضوع بوده است. برای نمونه در اصل ۱۱ قانون اساسی آمده است: به حکم آیه کریمه «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (سوره انبیاء، آیه ۹۲) همه مسلمانان یک امت‌اند و دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است سیاست کلی خود را بر پایه ائتلاف و اتحاد ملل اسلامی قرار دهد و کوشش پیگیر به عمل آورد تا وحدت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جهان اسلام را تحقق بخشد. از سوی دیگر بخش عمده‌ای از روابط تقابل‌آمیز میان ایران، لابی واشینگتن متأثر از مؤلفه‌های خارجی همانند حملات نظامی آمریکا علیه ایران، لابی صهیونیسم، ایران‌هراسی، جنگ رسانه‌ای، سیاست مهاردوگانه و... می‌باشد. اگر به بررسی

روابط متقابل ایران و آمریکا بعد از انقلاب ۵۷ پردازیم ابتدا می‌بایست به حملات نظامی آمریکا اشاره شود. ابتدا در ۵ اردیبهشت ۱۳۵۹ به صورت پنهانی با بالگردهای نظامی وارد ایران شده بود که در طبرس زمین‌گیر شده و ناچار از فرار شدند، در ادامه حمله به هواپیمای مسافربری ایران در ۱۲ تیرماه ۱۳۶۷ و حمله اسکله‌های ایران در خلیج فارس می‌بایست اشاره شود. از همه مهم‌تر ترور سردار سلیمانی در دی‌ماه ۱۳۹۸ در عراق می‌باشد که به دستور مستقیم دونالد ترامپ صورت گرفت. افزون بر این نقش لابی‌های صهیونیست در افزایش فزاینده این تقابل قابل تأمل است.

### منابع

قرآن کریم.

اسدی، حیدر و رجیبی، هادی (۱۳۹۶) نقش فرهنگ مقاومت در امنیت داخلی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، دوره ۴، شماره ۱۶.

امام خمینی (۱۳۶۱) صحیفه نور، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

امامی، سید مجید (۱۳۷۹) انقلاب دوم، ویژه نامه رسالت به مناسبت ۱۳ آبان.

امیرانتخابی، شهرود (۱۳۹۰) جنگ رسانه‌ای آمریکا در برنامه هسته‌ای ایران، مجموعه مقالات قدرت سایبر، گروه پژوهش‌های اجتماعی و فرهنگی، مرکز تحقیقات استراتژیک مجمع مصلحت نظام.

براتعلی پور، مهدی (۱۳۹۰) واکاوی هویت مقاومت در جنبش‌های بازخیزش مذهبی در عصر جهانی شدن، مطالعه موردی، جنبش اخوان المسلمین، پژوهش‌های سیاست اسلامی، سال پنجم، شماره یازدهم، بهار و تابستان.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار میهمانان شرکت‌کننده در چهارمین مجمع جهانی اهل بیت (ع)، ۱۳۸۶/۰۵/۲۸.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران در دیگر کشورها، ۱۳۸۶/۰۵/۳۰.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پنجاه هزار فرمانده بسیج سراسر کشور، ۱۳۹۲/۰۸/۲۹.

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از معلمان و فرهنگیان سراسر کشور، ۱۳۹۴/۰۲/۱۶.

بیانات مقام معظم رهبری در خطبه‌های نماز عید فطر، ۱۳۹۴/۰۴/۲۷.

حسینی متین، سیدمهدی (۱۳۹۱) رویارویی آمریکا با ایران پس از جنگ سرد، تهران، نشر موسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

ذوالفقاری، مهدی (۱۳۹۱) تحلیل عملیات روانی آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران (بررسی موردی پرونده هسته‌ای)، تهران، نشر دانشگاه امام صادق (ع).

زهرانی، مصطفی و رستمی، محمدرضا (۱۳۹۵) لابی اسرائیل و سیاست آمریکا در قبال جمهوری اسلامی ایران، تهران، انتشارات وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران.  
سجادپور، سیدمحمد کاظم (۱۳۷۶) ارزیابی مهار دوگانه: چهارگانه متفاوت، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۴۱.

عباسی، مجید (۱۳۹۰) بازتاب‌های بیداری اسلامی و لزوم اصلاح در نظام سیاسی عربستان، کتاب خاورمیانه، ویژه اسلام‌گرایی در خاورمیانه، تهران، انتشارات ابرار معاصر.  
علیزاده، علی‌اکبر (۱۳۸۸) ریشه‌های منازعه بین ایران و آمریکا، دوفصلنامه انسان پژوهی دینی، دوره ۶، شماره ۲۱.

غریباق زندی، داوود (۱۳۸۸) سیاست خارجی دولت دوم جورج واکر بوش در قبال ایران: سیاست سد نفوذ، مجله مطالعات راهبردی، شماره ۴۳.

قرائی، محسن (۱۳۷۴) تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.  
قنبرلو، عبدالله (۱۳۹۰) اقتصاد سیاسی مداخله‌گرایی در سیاست خارجی آمریکا، تهران، انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.

قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۳)، جهانی شدن و جهان سوم، چاپ دوم، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین‌المللی.

کاردان، عباس و علی عبدالله خانی (۱۳۹۰) رویکردها و طرح‌های امریکایی درباره ایران، تهران، نشر مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر.

مسعودی، حیدرعلی (۱۳۹۸) یک‌جانبه‌گرایی آمریکا در گفت‌وگوهای غیرامریکایی، مؤسسه مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۵ آذرماه. <https://tisri.org/?id=swzke2x4>

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۶) تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران، سمت.  
معراجی، ابراهیم، (۱۳۹۹) تبیین راهبرد ایران‌هراسی از جانب آمریکا جهت مشروعیت‌سازی منطقه‌ای رژیم صهیونیستی، فصلنامه سیاست خارجی، دوره ۳۴، شماره ۱۳۵، پاییز.

هشترودی، یاشار (۱۳۸۹) نو واقع‌گرایی یا واقع‌گرایی ساختاری، روزنامه رسالت، ۱۳۸۹/۱۱/۱۲.

Ahmadian, Hassan (2019) The Iran–U.S. Escalation: Causes and Prospects, June 09, 2019, <https://www.belfercenter.org/publication/iran-us-escalation-causes-and-prospects>

Beinart, Peter (2022) AIPAC Refuses to Learn from Its Mistakes on Iran, January 31, 2022, <https://jewishcurrents.org/aipac-refuses-to-learn-from-its-mistakes-on-iran>

Darwich, M., & Kaarbo, J. (2020) IR in the Middle East: Foreign policy analysis in theoretical approaches. International Relations, 34(2), 225–245. <https://doi.org/10.1177/0047117819870238>

Fawcett, Louise & Andrew Payne (2022) Stuck on a hostile path? US policy towards Iran since the revolution, Published online: 02 Feb, <https://www.tandfonline.com/doi/pdf/10.1080/13569775.2022.2029239>

- Mearsheimer, J. J. (2001), *The Tragedy of Great Power Politics*, New York, WW Norton & Company.
- Samuel, Annie Tracy (2013) *Viewpoint Iran: The Past and Present of the U.S.-Iran Standoff*, August, [https://origins.osu.edu/article/viewpoint-iran-past-and-present-us-iran-standoff?language\\_content\\_entity=en](https://origins.osu.edu/article/viewpoint-iran-past-and-present-us-iran-standoff?language_content_entity=en)
- Waltz, K. N. (1979) *Theory of International Politics*. Mass: Addison-Wesley.
- Waltz, K. N. (1990) Realist Thought and Neorealist Theory. *Journal of International Affairs* 44, 21–37.
- Wong, Edward (2019) U.S. Orders Partial Evacuation of Embassy in Baghdad, *The New York Times*, May 15, 2019. <https://www.nytimes.com/2019/05/15/us/politics/us-iraq-embassy-evacuation.html>

۲۷۶



فصلنامه

پژوهش‌های

روابط‌بین‌الملل،

دوره دوازدهم،

شماره سوم، شماره

پیاپی چهل و شش،

پاییز ۱۴۰۱